

الرد الى الكتاب والسنة وانه ليس شيئي من الحلال والحرام وجميع ما يحتاج اليه الناس الا وقد جاء فيه كتاب اوسنه. يعني فصل رجوع به كتاب وسنت واینکه هیچ چیزی از حلال ویا حرام آنچه که مورد احتیاج مردم می باشد، نیست مگر آنکه در کتاب وسنت حکم آن آمده است در این فصل احادیث زیادی نقل شده است.

ولی دانشمندان شیعه اجتهاد را به معنای استخراج احکام از کتاب وسنت قبول دارند یعنی معتقدند که در زیر قشر ظاهری الفاظ کتاب وسنت که در آن جملاتی بصورت کلی بیان شده است که با تعمق وتدبر در آن، وسعی و کوشش انداختن نهایت دقت فکر می توان انبوهی از مطالب واحکام بدست آورد.

ولذاست که برای این عمل کلماتی نظیر اجتهاد واستنباط بکار میبرند زیرا همانطور که گفتیم استنباط یعنی بیرون کشیدن آب زلال از زیر زمین تو گوئی مجتهد از زیر قشر الفاظ جریان آب زلال معانی را بدست می آورد. ولی هیچگاه فکر خود را بطور مستقل پایه تقنین وتشریح قرار نمی دهند. شیعه معتقد است که در کتاب وسنت مسائل اسلامی بگونه ای بیان شده که قابلیت انطباق بر همه موارد را دارد بطوریکه در همه موارد ضامن مصالح عالیه انسانی است. وقوه قدسیه اجتهاد واستنباط است که فروع را بآن اصول کلی منطبق می سازد. واجتهاد را علمای شیعه بهمین مضمون تعریف می کنند، الاجتهاد هو استقراغ الوسع لرد الفروع علی الاصول

اجتهاد بکار بردن منتهای کوشش است برای تطبیق فروع با اصول این روش اندیشمندان شیعه چنین نیست که از نو آوری های تشیع باشد بلکه تدبر وتعمق در قرآن در حقیقت عملی است که خود قرآن بکرات مسلمانان را بدان وادار نموده ونیز رسول خدا (ص) در این

حجة الاسلام سید مصطفی محقق داماد

باره فرموده است: ظاهره انیق وباطنه عمیق له تخوم وعلی تخومه تخوم لاتحصی عجائبه ولاتبلی غرائبہ (۳)

یعنی ظاهر قرآن زیبا وباطن آن ژرفا است، او را حدی است وفوق آن حد دیگر است شگفتیهای آن قابل شمارش نیست وآورده های آن کهنه نمی گردد. وتفقه در سنت رسول الله نیز مهمترین انگیزه اش توصیه هائی است که آنحضرت در این باره فرموده است. در خطبه حجة الوداع (ع) فرمود:

... نصر الله عبداً سمع مقالتي فوعاها وبلغها من لم يسمعها فرب حامل فقه غير فقيه ورب حامل فقه الی من هوا فقه منه

یعنی خداوند شاد گرداند کسی را که سخن مرا بشنود وآترا بکسی که آنرا نشنیده است برساند زیرا بسیار کسانی که سخن پرمعنائی را با خویش دارند ولی خود، آنرا فهم عمیق نمی کنند و چه بسیار کسانی که

۱- خبری که به نقل او بطور استفاضه از پیغمبر نقل شده است که وقتی آن حضرت می خواست معاذ بن جبل را برای قضاوت به یمن اعزام دارد از او پرسید:

یا معاذ لم تحکم؟ یعنی ای معاذ به چه حکم می کنی؟

معاذ بن جبل پاسخ داد: بکتاب الله حضرت فرمود: فان لم تجد؟ اگر حکمی را که می خواهی در کتاب خدا نیابی چه می کنی؟

معاذ پاسخ داد: بسنت رسول الله حضرت فرمود: فان لم تجد؟

معاذ گفت: اجتهد رای یعنی اجتهاد خویش را بکار می برم.

رسول اکرم گفت: الحمد لله الذی وفق رسول رسولہ لما یرضاه یعنی حمد خدای را که موفق کرد فرستاده رسول خدا را به آنچه که او رضایت و خوشنودی دارد.

# اجتهاد قضائی اجتهاد قضائی اجتهاد قضائی اجتهاد قضائی اجتهاد قضائی اجتهاد قضائی

۲- از علی بن ابیطالب (ع) نقل می کند که وقتی رسول مرا بعنوان قاضی به یمن می فرستاد پرسیدم یا رسول الله: کیف اقضی بین الناس وانا حدیث السن چگونه باینکه من جوانم بین مردم قضاوت کنم؟ آنحضرت دست بر سینه ام نهاد وگفت:

اللهم اهد قلبه وثبت لسانه خداوندا قلب او را هدایت کن وزبان او را ثابت دار.

وامیر المومنین (ع) نقل می کند که از آن پس در قضاء میان دو تن هیچگاه مرا شکی رخ نداد وهمیشه بر حال یقین بودم.

علمای شیعه به پیروی از ائمه پیشوایان اینگونه اجتهاد را باطل می دانند، زیرا اصولاً آنان این مطلب را که کتاب وسنت وافی برای احکام وحوادث واقعه نیست قبول ندارند بلکه آنان معتقدند کتاب وسنت حکم همه اشیاء را بصورت کلی بیان نموده است واین نکته در احادیث به صراحت آمده است. در کتاب کافی فصلی است تحت عنوان: باب

بسمه تعالی

سخن ما در سلسله بحثهای قبلی راجع بقوه قضائیه که در حاشیه فصل یازدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در این نشریه از نظر خوانندگان گرامی گذشت باینجا رسید که گفتیم از اصل ۱۶۷ بوضوح استنباط می گردد که قاضی در جمهوری اسلامی بایستی واجد ملکه قدسیه اجتهاد باشد همانطور که مشهور فقهاء اعتقاد دارند. و در این زمینه در گفتارهای پیش شواهدی از اصل فوق استخراج و تقدیم گردید.

اینک لازم میدانیم که بدین مناسبت در زمینه اجتهاد قضائی باختصار مطالبی مطرح گردد.

در فرهنگ اسلامی سه لغت در کنار یکدیگر به چشم میخورد که هر سه آنها تقریباً بیک معناست

۱- اجتهاد ۲- تفقه ۳- استنباط

واژه اجتهاد از ماده جهد به ضم جیم است یعنی بکار بردن منتهای کوشش- با لغت جهاد از یک ریشه است، با این تفاوت که لغت جهاد معمولاً در بکار بردن منتهای کوشش در برابر دشمن بکار میرود ولی واژه اجتهاد در بکار بردن منتهای کوشش در استخراج احکام از منابع اولیه استعمال میگردد.

تفقه یعنی غور کردن و به اعماق رسیدن و بقول راغب اصفهانی- الفقه هو التوصل الی علم غائب بعلم شاهد، یعنی فقه این است که رسیدن به دانش پنهانی بوسیله دانش آشکار. (۱)

استنباط- از ریشه نبط است یعنی بیرون کشیدن آب از اعماق زمین- و در اصطلاح به معنای بیرون کشیدن معانی و مقاصد از اعماق ظواهر الفاظ.

اجتهاد بین عامه و خاصه

اهل سنت از آنجا که منبع استخراج احکام را منحصر در کتاب خدا و سنت رسول الله میدانند و از طرفی می بینند احکامی که در این دو منبع تشریح شده محدود و منتهای است در حالیکه وقایع و حوادث نامتناهی است لذا منبع دیگری تحت عنوان اجتهاد رای اضافه می نمایند.

اجتهاد به رای یعنی بکار بردن فکر و ذوق و سلیقه در بدست آوردن احکام الهی. باین معنا که هر گاه حکم موردی در کتاب خدا و سنت رسول الله یافت نشد، مجتهد هر چه به فکر و ذوق و سلیقه شخصی خودش نزدیکتر رسید بعنوان حکم خدا وضع و تقنین می کند.

البته اینکه منظور از بکار بردن فکر در تشریح و تقنین چیست؟ بین دانشمندان عامه اختلاف نظر است، افرادی مثل شافعی در کتاب (الرساله) تنها آنرا مختص به قیاس می داند- ولی بعضی استحسان و استصلاح را به آن اضافه می کنند که مشروح تفسیر هر یک از این واژهها در فصل منابع اجتهاد بحث خواهد شد.

علمای عامه برای روش خود به روایاتی از رسول اکرم استناد جسته و آنها را مجوز عمل خویشان می دانند.

شهرستانی (۲) در کتاب ملل و نحل به دو حدیث استناد کرده: